

در باره مهدی

تألیف:

شیخ محمد ناصر الدین آلبنانی رحمته

مترجم:

عبدالمتین

تهیه و تنظیم:

سایت ایمان، عقاید اهل سنت و جماعت

www.eeman.i

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

المصدر: مجلة التمدن الإسلامية «٢٢ / ٦٤٢ - ٦٤٦»

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.nourtv.net

www.islamtxt.com

www.sadaislam.com

www.ahlesonnat.com

www.islamhouse.com

www.isl.org.uk

www.bidary.net

www.islamtape.com

www.tabesh.net

www.blestfamily.com

www.farsi.sunnionline.us

www.islamworldnews.com

www.sunni-news.net

www.islamage.com

www.mohtadeen.com

www.islamwebpedia.com

www.ijtehadat.com

www.islampp.com

www.islam411.com

www.videofarda.com

www.videofarsi.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

۳فهرست مطالب
۴استفسار مجله‌ی تمدن اسلامی
۴[پاسخ شیخ آلبانی]
۵احادیث مهدی:
۸شبهاتی پیرامون احادیث مهدی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

استفسار مجله‌ی تمدن اسلامی

بعضی از خوانندگان آگاه به این مجله نامه‌هایی ارسال داشته‌اند، یکی از آن‌ها می‌گوید: در شماره‌های ۱۰، ۹، ۸، ۱۰ بحث‌های ارزشمندی را که استاد ناصر الدین آل‌بانی در مورد مهدی ضمن توضیح احادیث ضعیف و موضوع ایراد کرده بود، مطالعه نمودم؛ و ما قبلاً آنچه که استاد محمد رشید رضا در تفسیر المنار ص «۵۰۴، ۴۹۹، ۹» و آنچه را که استاد محمد عبدالله السمان در کتابش «الإسلام المصفی» بیان نموده بودند را معتقد بودیم و حال من یقین دارم استاد ناصر الدین آنچه را آن دو نفر نوشته‌اند می‌داند و به همین خاطر از استاد خواهش می‌کنم بار دیگر آنچه را که آن‌ها نوشته‌اند مطالعه نماید و مقاله‌ای را در مورد مهدی بنویسد؛ چون نوشته‌های آن دو مخالف آن چیزی است که استاد ناصرالدین آل‌بانی بیان داشته است.

[پاسخ شیخ آل‌بانی]

در جواب آن می‌گویم: بلی من آنچه را که رشید رضا رحمته الله و آنچه را که استاد السمان در کتابش موسوم به «الإسلام المصفی» ذکر کرده‌اند می‌دانم و یقین دارم که آن‌ها در این مسئله اشتباه کرده‌اند بخصوص استاد السمان در این مورد فاقد علم و دانشی لازم است و به همین خاطر مسائل دیگری را که ثبوتشان از این یکی هم قطعی‌تر است را انکار کرده است؛ مثل: خروج دجال و نزول عیسی علیه السلام و شفاعت رسول الله صلی الله علیه وسلم در روز قیامت.

به درستی که این سه مورد اخیر دلائل ثبوتشان قطعی است چون در تأیید آن‌ها احادیث متواتری وجود دارد. با این وصف می‌بینیم که جناب استاد السمان از انکار آن‌ها

متأثر نیست. رشید رضا - رحمه الله - نیز پیش از او در این موارد چیزهایی گفته و احادیث دجال و نزول عیسی علیه السلام را مورد طعن قرار داده در حالیکه این احادیث صحیح و متواتر اند چنانکه علماء و متخصصان در رشته حدیث چون حافظ ابن حجر و دیگران به آن تصریح کرده‌اند که اکنون مجال آن نیست. و اگر خدا بخواهد آن را به وقت دیگر موکول می‌کنم.

احادیث مهدی:

اما در مورد مهدی باید بدانید که در برابر آن احادیث صحیح بسیاری وجود دارد که اسناد قسمت عمده آنها صحیح است. هم اکنون مثال‌هایی از آن را مطرح و به دنبال آن به دفع شبهات کسانی که بر آن ایراد نموده‌اند می‌پردازم:

حدیث اول: حدیث ابن مسعود رضی الله عنه که مرفوع است می‌فرماید: «لو لم یبق من دنیا إلا یوم لطول الله ذلك الیوم، حتی یبعث فیہ رجلاً منی أو من أهل بیتی، یواطیء اسمه اسمی، واسم أبیه اسم أبي، یملأ الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً»^۱. {اگر از عمر دنیا جز روزی نماند خداوند آن را آن اندازه طولانی می‌گرداند که در آن مردی از نسل من یا از نسل اهل بیت من در آن قیام کند اسمش موافق اسم من و اسم پدرش موافق اسم پدرم می‌باشد. زمین را پر از عدل و داد می‌کند همانگونه که پر از ظلم و ستم بود}.

حدیث دوم: از علی پسر ابوطالب - رضی الله عنه - بصورت مرفوع روایت شده است و برای آن دو طریق روایت موجود است، اولی را ابوداود و احمد استخراج کرده‌اند

۱- رواه أبو داود (۲/۲۰۷)، والترمذی، وأحمد، والطبرانی فی الکبیر والصغیر، وأبو نعیم فی «الحلیة»، والخطیب فی «تاریخ بغداد» من طرق عن زر بن حبیش عن ابن مسعود. وقال الترمذی: «حسن صحیح» والذهبی: «صحیح» وهو كما قالوا وله طریق آخر عند ابن ماجه (۲/۵۱۷) عن علقمة عن ابن مسعود به نحوه، وسنده حسن.

و سندش صحیح است و دیگری را ابن ماجه و احمد روایت کرده‌اند و اسنادش در مرتبه حسن قرار دارد.

حدیث سوم: از ابو سعید خدری به دو طریق روایت شده که اولی را ترمذی و ابن ماجه و حاکم و احمد استخراج کرده‌اند و ترمذی آن را حسن می‌داند و حاکم آن را به شرط مسلم صحیح می‌داند و ذهبی نیز با او موافق است و واقعیت نیز همانگونه است که فرموده‌اند، طریق دیگری را ابوداود و حاکم که آن را صحیح می‌دانند، استخراج کرده‌اند و سند آن حسن است.

حدیث چهارم: از ام سلمه - رضی الله عنها - روایت است که الفاظ آن و تخریجش را هنگام سخن از حدیث هشتاد از مقاله دهم از «احادیث الضعیفة» بیان داشته‌ام. و بقیه طریق‌ها را علماء در کتاب‌های مخصوص بیان داشته‌اند. کسی که خواهان اطلاع بیشتری است باید به آن‌ها مراجعه نماید.

صدیق خان در الإذاعه^۲ می گوید: احادیث در مورد مهدی به طرق مختلف قطعاً بسیار زیاد است که آن را به حد تواتر رسانده است در سنن ها و مسندها و معجمها موجود است و ابن خلدون سخن را در آن بسیار طولانی کرده است. چنانکه در کتاب موسوم به «العبر و دیوان مبتدأ و الخیر» به آن پرداخته است، در آنجا می گوید: در این باب به احادیثی استناد می کنند که ائمه استخراج کرده اند و منکرین در آن سخن گفته اند که با بعضی اخبار متعارض است و منکرین در آن ایرادهایی وارد کرده اند، هنگامی که با ایرادی روبه رو شدیم که در آن بعضی از رجال اسناد به علت غفلت یا سوء حفظ یا ضعف و بد عقیده ای طرد و به وسیله آن حدیث صحیح مورد طعن قرار گرفته و آن را تضعیف می کنند باید دانست آنچه شایسته به تبعیت است و نظر واقعی محدثین است، اینست که آنچه در مورد راویان و رجال احادیث قابل اعتبار است دو چیز است که سومی ندارد: ۱- ضبط. ۲- صدق. و آنچه را که اهل اصول معتبر می دانند از عدل و غیر قابل اعتنا بودن نیست و به غیر از آن دو مورد، حدیث به چیز دیگر تضعیف نمی شود. پس صدیق خان می گوید: احادیث مهدی بعضی صحیح و بعضی از آنها ضعیف می باشند و در طول زمان جریان آن بین عموم اهل اسلام مشهور شده است. و آن این که حتماً در آخر زمان مردی از اهل بیت نبی ظهور می کند که مؤید دین خواهد بود. عدل را حاکم و مسلمانان وی را اطاعت خواهند کرد و بر تمام ممالک اسلامی تسلط خواهد یافت و اسم آن مهدی است. و همزمان با او خروج دجال و شرطهای برپایی قیامت همانگونه که در صحیح آمده روی خواهد داد و عیسی بعد از آن نازل می شود و دجال را به قتل می رساند و در نماز به مهدی اقتدا می نماید احادیث دجال و عیسی نیز همچنین در حد تواتر می باشد و انکار آن جایز نیست، قاضی علامه شوکانی - رحمه الله - نیز آن

۲- مثل «العرف الوردی فی أخبار المهدی» للسیوطی، و «الإذاعه لما کان وما یکون بین یدی الساعة» لصدیق

را بیان داشته است چنانکه در توضیح احادیث متواتر در مورد مهدی و دجال و مسیح آورده و می‌گوید: احادیث وارده در مورد مهدی که امکان اطلاع از آن باشد به پنج‌جاه حدیث می‌رسد که در آن احادیث صحیح، حسن و ضعیف قابل جبران موجود است و بدون شک در حد تواتر می‌باشد و هیچ شبهه‌ای در آن نیست و بر اساس تمام اصطلاحات وارده در اصول وصف تواتر بر چیزهایی که خیلی در مرتبه پایین‌تر از آن وجود دارد صادق می‌باشد. و آثار رسیده از اصحاب در مورد مهدی نیز بسیار صریح و زیادند و در مرتبه مرفوع بودن قرار دارند چون مجالی برای اجتهاد در آن‌ها نیست. پایان.

سید علامه محمد بن اسماعیل امیر یمانی احادیث قطعی در مورد خروج مهدی و این که از آل محمد صلی الله علیه وسلم است، و در آخر زمان خروج خواهد کرد را جمع‌آوری نموده و آنگاه می‌گوید: زمان خروج او معین نشده تنها معلوم شده که قیام ایشان قبل از خروج دجال خواهد بود. انتهای.

شبهاتی پیرامون احادیث مهدی

جناب رشید و غیر ایشان به صورت حدیث به حدیث، آنچه را که در مورد مهدی وارد شده، بررسی نکرده و از بررسی اسناد کل احادیث وارده در این زمینه هم عاجز و قادر به انجام آن نبوده‌اند که اگر این کار را می‌کردند به چیزهایی که حجت به وسیله آن تمام می‌شد دسترسی می‌یافتند حتی در امورات غیبی که بعضی گمان می‌کنند تنها به وسیله احادیث متواتر ثابت است، از جمله مواردی که شما را به آن راهنمایی می‌کند این است که رشید رضا - رحمه الله - مدعی است که اسناد احادیث مهدی خالی از افراد شیعی نیست در حالی که این مسئله به طور مطلق درست نیست، احادیث چهار گانه‌ای که در این بحث آورده‌ام فردی که معروف به شیعه باشد جزء راویان آن نیست و در صورت صحت ادعا باز هم به درستی اسناد آن ایراد وارد نمی‌شود چون اعتبار در صحت حدیث، صدق و ضبط است و مخالفت مذهبی چنانکه در علم مصطلح الحدیث بیان شده شرط صحت یا عدم صحت نیست به همین خاطر مسلم و بخاری در صحیح خود از

افراد بسیاری شیعه و غیر شیعه از فقه‌های مخالف روایت کرده‌اند و خودشان به احادیثی از این نوع استناد می‌کنند.

همچنین رشید رضا علت دیگری که به آن استناد می‌کند تعارض است؛ ولی این مورد نادرست است چون شرط تعرض مساوی بودن در میزان ثبوتیت و صحیح بودن است و برقرار کردن تعارض بین قوی و ضعیف از جمله چیزهایی است که هیچ عاقل منصفی آن را جایز نمی‌داند و تعارض ادعا شده از این قبیل است. من تعدادی مثال برای آن در همان مقاله سابق که ذکر شده، بیان کرده‌ام هرکس خواهان آن است می‌تواند به آن مراجعه نماید. بعضی دیگر از مردم این احادیث و احادیث مربوط به نزول عیسی را که می‌بینند، می‌گویند این‌ها باعث می‌شود که مردم دست روی دست بگذارند و خود هیچ اقدامی نکنند و این کار باعث ترک اسباب پیروزی از جانب امت می‌شود و به زعم و گمان خویش طریقه خلاص و علاج این مشکل را در انکار این حدیث یافته‌اند ولی این کار خطا است شبیه همان راه علاجی است که معتزله در مورد آیات متشابه و احادیثی که در آن معنی است بکار می‌بردند آن‌ها به زعم خویش برای تنزیه و رد تشبیه آیات را تأویل و احادیث صحیح را انکار می‌کردند اما اهل سنت و جماعت به ظاهر آیات و احادیث وارده ایمان داشتند و از آن فهم تشبیه نداشتند و چنان فهم نمی‌کردند که لایق به ذات الله تعالی نباشد همانگونه در احادیث مهدی چیزی که در آن کوچکترین اشاره‌ای به اینکه مسلمانان قبل از خروج مهدی فاقد هرگونه نهضت و عزتی باشند را ننموده است و اگر در تعدادی از افراد جاهل مسلمان چنان فهمی قوت گرفته است راه چاره و معالجه چنان جهلی اینست که بیاموزد و بفهمد که فهمش خطا است نه اینکه ما به خاطر بد فهمی آن‌ها احادیث صحیح را رد کنیم.

از جمله شبهات مطرح شده این است که بعضی از دروغگویان و دجال‌ها از عقیده مهدویت استفاده کرده و خود را به عنوان مهدی جا زده و به واسطه آن صفوف مسلمین دچار تفرقه و اختلاف شده است. و برای آن مثال‌هایی ذکر کرده که آخر آن‌ها غلام احمد

نادیانی دجال هند است. در جواب می‌گوییم این شبهه از ضعیف‌ترین آن‌هاست و به نظر من آن حکایت به باطل کردن نیاز ندارد، چون آنچه مسلم است این است که خیلی از امورات حق، مورد بهره برداری کسانی قرار گرفته که اهلیت آن را ندارند؛ برای مثال بعضی افراد مدعی علم هستند ولی در واقع جاهلند؛ آیا شایسته است عاقلی به خاطر این نوع استفاده منکر علم باشد؟ بلکه در گذشته کسانی مدعی الوهیت بوده‌اند آیا طریقه ابطال این ادعای کاذب انکار الوهیت حق است؟

مثال دیگر: بعضی از مسلمانان امروز از عقیده قضا و قدر مفهوم مجبور بودن انسان را می‌فهمند یعنی کسی که بر او شر مقدر شده برای ارتکاب آن مجبور است و اینکه او هیچ اختیاری ندارد و حتی تعداد کمی از اهل علم نیز دچار این نگرش خطا شده‌اند و ما همراه جمهور علمائی که در صحت عقیده قضا و قدر شک نمی‌کنند، و آن را مستلزم اجبار به طور مطلق نمی‌دانند، هستیم. اما زمانیکه در صدد اصلاح این فهم خطا که به عقیده حق چسبیده بود، بر آمدیم، آیا راه آن انکار مطلق قضا و قدر است چنانکه معتزله در قدیم و کسانی که دنباله رو ایشان در عصر حاضر هستند انجام می‌دهند؟ یا راه درست این است که چون شرعاً ثابت شده است به آن اعتراف کنیم ضمن اینکه فهم جبر از آن نشود. بدون شک راه درست که هیچ مسلمانی به تحقیق با آن مخالف نیست همین است، به همین صورت ما در صدد علاج عقیده مهدی بر می‌آییم، به همان صورت که در احادیث صحیح بیان شده به آن ایمان می‌آوریم و آنچه را که به سبب احادیث ضعیف به آن چسبیده از آن دوری می‌کنیم و با این کار بین آنچه که شرع ثابت کرده و عقل سلیم به آن معترف است جمع کرده‌ایم.

خلاصه سخن: عقیده خروج مهدی عقیده ای است که به صورت متواتر از رسول الله صلی الله علیه وسلم ثابت است و ایمان آوردن به آن واجب است چون از جمله امورات غیب می‌باشد و ایمان به امورات غیب از جمله صفات متقین است. چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ بِالْحَمْدِ وَالْحَمْدِ لِلَّهِ فِي أَجْرٍ عَظِيمٍ﴾ [البقرة: ۱-۲] (الم. این

کتاب که هیچ شکی در آن نیست هدایتی برای متقین است، کسانی که به غیب ایمان دارند. در این قضیه تنها کسی که جاهل است یا با علم و به عمد انکار می‌کند در صدد ابطال و رد احادیث مهدی بر می‌آید.

از خداوند متعال خواهانم ما را بر اساس ایمان به آن و به تمام آن چیزهایی که در کتاب و سنت صحیح ثابت است، بمیراند.

برای ارتباط با مترجم به سایت ایمان مراجعه کنید.